

# سخن نخست

## آرشیو چیست؟

غلامرضا عزیزی

اگر چه آرشیو- به عنوان جایگاه نگهداری اسناد و مدارک- به دوران باستانی بر می‌گردد، ولیکن کاربرد این واژه به معنای امروزی آن از انقلاب کبیر فرانسه آغاز می‌شود. اما ریشه این واژه به کجا بازمی‌گردد و در دوران تحول خود چه معنی‌هایی را در برداشته است.

1. در Dictionary.com واژه فرانسوی آرشیو archives مشتق از صورت لاتین archi(v)a دانسته شده است.

2. در Dictionary.com گفته شده که archi(v)a از واژه یونانی Archeia و واژه اخیر نیز از archeion گرفته شده و archeion نیز از دو جز arch(ē) و پسوند اسم‌مکان ساز -eion ساخته شده و به معنی اداره عمومی است. اما ادموندسون (۱۳۸۵، صص ۴۳-۴۴) می‌گوید ترجمه تحت‌اللفظی این واژه «جایگاه آرکن (قاضی‌القضات)» است.

بنا بر آنچه در فرهنگ ریشه‌شناسی انگلیسی آمده، واژه archives از فعل یونانی arkhein گرفته شده است. معنی اصلی این فعل «لاست به کاری زدن» بود که در نتیجه، واژه «در مکان نخست‌بودن، مسلط‌بودن» معنی داشت.

این تحول معنایی موجب تنوع معانی لغاتی گردید که در نهایت از این لغت یونانی به زبان انگلیسی وارد شده بودند. arkheion یونانی حاکی از اقامتگاه رسمی حاکم بود، یعنی «دفتر کار رسمی» و صورت جمع آن، arkheia با مفهوم «دفتر ثبت» استعمال می‌شد. همین لغت از طریق archia لاتینی، بعداً از طریق archiva و نیز archives فرانسوی وارد زبان انگلیسی شد. از سوی دیگر arkhe یونانی مفهوم beginning (اول، آغاز) را در بر داشت، و صفت archaios از آن به وجود آمد و بعداً لغت archaikós به معنی «باستانی، کهن» از طریق archaïque فرانسوی به صورت archaic (کهنه، مهجور، منسوخ و باستانی) به زبان انگلیسی تحویل شد [archaios منشاء archaeology] باستان‌شناسی [نیز می‌باشد]. همان اشتقاق معنایی در پیشوند arch- آشکار است که از همان منشاء مزبور به دست آمد، مثل لغت archetype (نمونه اول، نمونه آرمانی) که بر مفهوم first دلالت دارد، حال آنکه همین پیشوند در لغت



archduke (دوک بزرگ در خانواده سلطنتی اطریش) حاکی از مفهوم «بالا‌ترین رتبه و مقام» است. (ایتو، ۱۳۸۶، ص ۷۴).

در واقع واژه archives که در طی قرون متمادی معانی متفاوتی داشت، در سال ۱۶۰۳ م، در زبان فرانسوی به معنای محل کار و ساختمان اداره یا محل استقرار حکومت و همچنین به معنای بایگانی مجموعه اسناد و مدارک دولتی یا خصوصی به کار گرفته شد. (مرادی، ۱۳۷۳، ص ۱۱).

با احداث آرشیوهای ملی در سال ۱۷۸۹ م. و آرشیوهای ایالتی و استانی در سال ۱۷۹۶ م، برای نخستین بار مدیریت واحدی گنجینه‌های اسناد و مدارک را زیر نظارت خود قرار داد. علاوه بر این، مسئولیت گردآوری و حفظ و نگهداری میراث نوشتاری و مستند کشور به دولت واگذار شد. نتیجه دیگر پیدایش اصول و ضوابطی برای استفاده از منابع شد. به زودی، دیگر کشورهای اروپایی به تقلید از فرانسه اقدام به تأسیس و برپایی آرشیوهای اسناد و مدارک کردند. (مرادی، ۱۳۷۳، ص ۱۱).

بنابراین اگرچه سازمان و مدیریت آرشیو، ریشه در گذشته‌ای دور دارد، اما نوع جدید آن به زمان انقلاب فرانسه برمی‌گردد. پس از آن نیز مؤسسات آرشیوی بسته به منابع آرشیوی، استقلال کشورها و طبیعت و بزرگی هر کشوری، در کشورهای گوناگون جهان شکل گرفته است.

از لحاظ لغوی تعاریف چندی از واژه آرشیو موجود است که ذکر همه آن‌ها مورد نظر نوشته حاضر نیست و در اینجا فقط از چند تعریف تخصصی یاد می‌شود.

در گزارش نخست طرح تدوین واژه‌نامه اسنادی-آرشیوی (۱۳۷۴، ص ۱۱۵) Archives چنین معنی شده است:

- اسناد با ارزش و راکد دستگاه‌های دولتی و بخش خصوصی (افراد، خانواده‌ها، شرکت‌ها، ...)
- که به خاطر ارزش مستمرشان در خزانه نگهداری می‌شوند.
- ساختمان یا بخشی از ساختمان که اسناد آرشیوی در آنجا قرار داده می‌شوند.
- سازمان یا مؤسسه مسئول گزینش، گردآوری، نگهداری و آماده‌سازی اسناد آرشیوی.

فرهنگستان اول واژه «بایگانی» را برای آرشیو، و «بایگان» را برای آرشیویست پیشنهاد و تصویب کرد. با پدید آمدن آرشیوهای جدید از جمله آرشیو ملی و آرشیوهای دیداری و شنیداری، مشکلی برای این معادل‌گزینی بین متخصصان پیش آمد. نهایتاً فرهنگستان زبان و ادب فارسی، کاربرد «آرشیو» (معادل واژه Archives) را با بیش از سی ترکیب دیگر آن در زبان فارسی به تصویب رساند و این مصوبات را، در دفتر ششم خود، با عنوان «فرهنگ



واژه‌های مصوب فرهنگستان»، در سال ۱۳۸۸ به چاپ رساند. هر چند فرهنگستان زبان و ادب فارسی (۱۳۸۸، صص ۴-۶ و ۱۷ و ۶۰)، واژه «آرشیو» را ذیل دو تعریف زیر آورده:

- آرشیو ۱: محل یا سامانه نگهداری و سامان‌دهی اسناد و سوابق فعالیت‌های تجاری، دولتی، سازمانی یا فردی که به دلایل تاریخی، اطلاعاتی یا حقوقی، برای مدتی معین یا نامعین نگهداری می‌شود.

- آرشیو ۳: مجموعه‌ای از منابع که به دلیل ارزش تاریخی یا حقوقی، در آرشیو نگهداری می‌شود.

اما با عنایت به این نکته که دو معنی «محل یا سامانه نگهداری و سامان‌دهی اسناد» ذیل واژه «آرشیو ۱» آمده، در واقع، در تعریف فرهنگستان نیز همان سه معنی تخصصی بیان شده است.

پیش از ادامه بحث در خصوص تعاریف آرشیو جای آن دارد به طرح این پرسش بپردازیم که چرا شورای عالی فرهنگستان زبان و ادب فارسی در دی‌ماه ۱۳۸۷ کاربرد واژه آرشیو را در زبان فارسی معادل با Archives پذیرفت؟ استاد نورالله مرادی (۱۳۸۸، ص ۶) این پاسخ را ارائه داده است:

در سال ۱۳۸۷، در کارگروه واژه‌گزینی کتابداری در فرهنگستان زبان و ادب فارسی، قرار شد تا برای واژگان بیگانه آرشیو و آرشیوداری، معادل‌های فارسی ساخته شود (اعضای کارگروه، عبارت بودند از پوری سلطانی، دکتر بنی‌اقبال، دکتر نرگس نشاط، دکتر عباس حری، و نورالله مرادی). کارگروه واژه‌گزینی کتابداری، با مراجعه به متون غربی و انطباق تعاریف «آرشیو» در زبان‌های غربی با فعالیت‌هایی که می‌کند و آنچه آرشیوها در ایران انجام می‌دهند، واژه مصوب فرهنگستان اول یعنی «بایگانی» را مناسب برای دیگر انواع آرشیوها ندانست و واژه «آرشیو» را - که در همه زبان‌های دنیا متداول شده است - پذیرفت.

اعضای کارگروه، بر این باور بودند که وظایف و عملکرد آرشیوهای نوشتاری با وظایف و عملکرد بایگانی تفاوت‌های اساسی دارد، از جمله آنکه بایگانی، عهده‌دار گردآوری و سازماندهی اسناد و مدارک جاری مؤسسه دولتی یا غیردولتی است، در حالی که آرشیو، با اسناد و مدارکی سروکار دارد که عمر جاری و اداری آنها به سر آمده و در حکم اسناد و مدارک تاریخی قرار گرفته‌اند و بیشتر در فرایند پژوهش و تحقیق به کار گرفته می‌شوند.

علاوه بر این، سازماندهی اوراق پرونده در بایگانی، با سازماندهی اوراق پرونده اسناد در آرشیو متفاوت است. کاربران بایگانی و آرشیو نیز با هم یکسان نیستند. انواع دیگر آرشیوها از جمله آرشیوهای دیداری و شنیداری، رادیو و تلویزیونی، نقشه‌های مهندسی و امثال آنها نیز، هیچ وجه مشترکی با «بایگانی» ندارند. ممکن است خرده گرفته شود که واژه «آرشیو»،

1. Archives, archives service  
2. Archives 2



واژه‌ای بیگانه است و بهتر است از واژه‌ای فارسی برای این منظور استفاده می‌شود. این ایراد وارد نیست؛ زیرا واژه «آرشیو» در زبان فارسی از سال‌ها پیش متداول شده و دست‌کم برای اهل فن و حرفه، واژه‌ای غریبه به‌شمار نمی‌آید؛ پس می‌توان آن را به کار گرفت. کما این‌که حتی تلویزیون ایران نیز گاهی در تصاویری که نشان می‌دهد، واژه «آرشیو» را می‌نویسد تا نشان دهد که تصاویر قدیمی است و از «آرشیو» امانت گرفته شده‌اند و همچنین اسامی آرشیو فیلم، آرشیو ویدئو، آرشیو اسناد و آرشیو لباس را به کار می‌برد.

همچنان که اسناد مرادی اشاره کرده واژه آرشیو «در همهٔ زبان‌های دنیا متداول شده است». با بررسی معادل‌های واژه آرشیو در برخی زبان‌ها به‌نظر می‌رسد، این واژه همچون واژه‌های تلفن و تلویزیون، کاربرد بین‌المللی یافته است. برای مثال برخی معادل‌های واژه آرشیو / Archive در وبگاه رفرنس‌دات‌کام به شرح زیر آورده شده است:

Arabic: سجّلات آرشیف	Latvian: arhīvs
Brazil Portuguese: arquivo	Lithuanian: archyvas
Czech: archiv	Norwegian: arkiv
Danish: arkiv	Polish: archiwum
Dutch: archief	Portuguese: arquivo
Estonian: arhiiv	Romanian: arhive
French: archives	Russian: архив
Finnish: arkisto	Slovak: archív
German: das Archiv	Slovenian: arhiv
Greek: ἀρχεία (πλῆθ.)	Spanish: archivo
ICELAND: arkiv	Swedish: arkiv
Indonesian: arsip	Turkish: arşiv (binası)
Italian: archivio	

به این فهرست می‌توان واژه «آرشیف» در زبان افغانی و Arkib در زبان مالایی را افزود. در منابع تخصصی آرشیو نیز معمولاً سه معنی را برای این واژه در نظر می‌گیرند: (۱) اسنادی که بیش از این برای استفاده‌های اداری سودمند نیستند اما به‌دلیل ارزش تاریخی، برای حفظ و نگهداری بلندمدت انتخاب شده‌اند؛ (۲) اداره یا سازمان مسئول در قبال انتخاب، حفظ و نگهداری و دسترس‌پذیر ساختن اسنادی که دارای ارزش دائمی هستند؛ (۳) مکانی (اتاق، ساختمان، مخزن) که اسناد آرشیوی در آن نگهداری می‌شوند. برای نمونه دکتر غریبی (۱۳۷۵) بولتن کمیسیون اطلاع‌رسانی شماره ۱۵ زیر نظر آرشیو را به سه معنی ۱- مجموعه روش‌های علمی و استاندارد؛ ۲- محل نگهداری و حفظ اسناد؛ و ۳- مجموعه پرونده‌های موجود در آرشیو تعریف کرده است.

در واژه‌نامه برای آرشیو‌دارها، مدیران اسناد و نسخه‌پردازان، (Bellardo; Bellardo, ۱۹۹۲)، در (۳) نیز واژه آرشیو در همان سه معنا آمده است:



- مدرکی<sup>۱</sup> که توسط یک فرد یا سازمان در هنگام انجام وظایفشان، تولید یا دریافت و گردآوری و به دلیل ارزش‌های مستمر موجودشان حفظ و نگهداری می‌شود. از لحاظ تاریخی واژه آرشیو به سوابق راکد<sup>۲</sup> یک سازمان یا مؤسسه که به دلیل ارزش‌های مستمر موجودشان حفظ و نگهداری می‌شود، اشاره دارد.
  - ساختمان یا بخشی از ساختمانی که مواد آرشیوی<sup>۳</sup> در آنجا قرار دارد؛ همچنین این واژه در این کاربرد به مخازن آرشیوی<sup>۴</sup> نیز اشاره دارد.
  - مؤسسه یا برنامه مسئول انتخاب، گردآوری، حفظ و نگهداری و آماده بهره‌برداری ساختن مواد آرشیوی؛ همچنین این واژه برای یک مؤسسه آرشیوی، سازمان آرشیوی و یا برنامه آرشیوی به کار می‌رود.
- به تعریف آرشیو بازگردیم. واژه‌نامه انجمن آرشیودارهای آمریکا، Pearce-Moses, ۲۰۰۵، (صص ۲۹-۳۰) شش کاربرد برای archive و شش کاربرد معنی برای archives آرشیو آورده است. با افزودن یک کاربرد دیگر این تعداد تعریف‌های آرشیو به هفت مورد زیر می‌رسد:
- مکائی که در آن اسناد عمومی و تاریخی نگهداری می‌شوند؛ ماده‌ای که نگهداری شود (اغلب به صورت جمع می‌آید).
  - موادی پدید آمده یا دریافت شده در هنگام انجام فعالیت توسط یک شخص، خانواده، سازمان عمومی یا خصوصی که به دلیل ارزش پایدارشان و به علت اطلاعاتی که دارند یا به علت گواه بودن بر کارکردها و مسئولیت‌های تولیدکنندگان آنها، نگهداری می‌شوند، به ویژه آن موادی که با بهره‌گیری از اصل منشأ، احترام به نظم اولیه و پیوستگی و کنترل جامع نگهداری می‌شود؛ پیشینه‌های ماندگار.
  - بخش و اداره‌ای درون یک سازمان که مسئول نگهداری پیشینه‌های با ارزش نگهداری دائمی سازمان است؛
  - سازمانی که پیشینه‌های اشخاص، خانواده‌ها یا سازمان‌های دیگر را جمع می‌کند؛ یک آرشیو جمع‌آوری کننده؛
  - نظم و ترتیب حرفه‌ای مدیریت این چنین مجموعه‌ها و سازمان‌هایی؛
  - ساختمان (یا قسمتی از یک ساختمان) که مجموعه‌های آرشیوی در آن نگهداری می‌شود؛
  - مجموعه آثار علمی منتشره، به ویژه مثل یک نشریه ادواری.
- در بین منابع دیده شده، کامل‌ترین تعاریف برای واژه آرشیو در فرهنگ اصطلاحات آرشیوی، از انتشارات شورای جهانی آرشیو گردآمده است. این واژه‌نامه ۱۲ تعریف برای این واژه را به نقل از منابع تخصصی ذکر کرده و واژه‌های مرتبط با برخی معانی را نیز برشمرده است. هر چند در این واژه‌نامه تعاریف دست‌نویسی نشده است اما به طور کلی این ۱۲ تعریف را می‌توان در ۵ گروه زیر تقسیم کرد:

1. Document
2. Records Non current
3. Archival materials
4. Archival Repository



## سند ارزشمند

- تمام مدارکی که توسط شخص یا سازمان حقیقی یا حقوقی در راستای انجام امور اداری خلق و دریافت شده اند و سپس مورد حفاظت قرار گرفته‌اند. لغات مربوط: مدرک آرشیوی، فوند آرشیوی، موجودی آرشیو، گروه آرشیو، مجموعه، مدرک، فوند، توصیف در سطح فقره، نسخه خطی، اوراق، اوراق شخصی، اسناد خصوصی، سوابق خصوصی، سند، گروه سند، تجمع اسناد.
- موادی که در راستای انجام امور اداری توسط فرد، خانواده، یا سازمان (چه خصوصی و چه عمومی) خلق یا دریافت شده‌اند و به علت ارزش ماندگار اطلاعات موجود در این مواد یا به عنوان گواه برای کارکردها و مسئولیت‌های پدیدآورنده حفاظت می‌شوند، به ویژه موادی که با توجه به اصول حفظ منشاء، نظم اولیه و کنترل جمعی نگهداری شده‌اند؛ اسناد ماندگار. لغات مربوط: مخزن آرشیوی، آرشیو، مرکز اسناد.
- اسنادی که در مرحله ارزشیابی، ارزش آن‌ها ماندگار تشخیص داده شده است. به طور مرسوم، این واژه برای توصیف اسنادی به کار می‌رود که دیگر برای مصرف روزانه لازم نمی‌باشند و باید مورد حفاظت دائمی قرار گیرند.

## مؤسسه

- بخشی در یک سازمان که مسئول نگهداری اسناد دارای ارزش ماندگار آن سازمان می‌باشد.
- سازمانی که اسناد افراد، خانواده‌ها یا سازمان‌های دیگر را جمع‌آوری می‌کند؛ آرشیو جمع‌آوری‌کننده.
- مؤسسه (یا بخشی از آن) که مسئول ارزشیابی، فراهم‌آوری، حفاظت و در دسترس قرار دادن مواد آرشیوی می‌باشد.
- مؤسسه یا نهادی که مسئول حفاظت و در اختیار گذاشتن اسنادی است که جهت حفاظت دائمی انتخاب شده‌اند.

## مکان

- مکانی برای نگهداری اسنادی که برای حفاظت دائمی انتخاب شده‌اند.
- ساختمان یا بخشی از ساختمانی که مجموعه‌های آرشیوی را در آن جای می‌دهند. لغات مربوط: مخزن آرشیوی، آرشیو، مرکز اسناد
- مکانی (همچون ساختمان، اتاق، یا انبار) که مواد آرشیوی در آن نگهداری می‌شوند. لغات مربوط: مخزن آرشیو، آرشیو، مرکز اسناد



## رشته

— رشته تخصصی مربوط به اداره چنین مجموعه‌ها و سازمان‌هایی.

## مجموعه

— مجموعه مقالات علمی-دانشگاهی چاپ شده، به‌ویژه به صورت ماهنامه یا فصلنامه.

از این رو و برخلاف برخی نوشته‌های پیشین، دامنه استفاده و کاربرد واژه آرشیو فراتر از سه تعریفی است که منابع به آن نظر دارند. این امر سبب می‌شود تا استفاده‌کنندگان از این واژه، شمول معنایی مورد نظر خود را از این واژه دقیق‌تر بیان کنند و از به کار بردن تعاریف و منظوره‌های مبهم برای این واژه بپرهیزند.

## منابع:

- آیو، جان. (۱۳۸۶). فرهنگ ریشه‌شناسی انگلیسی، مترجم حمید کاشانیان، تهران: فرهنگ نشر نو-معین.
- ادموندسون، ری. (۱۳۸۵). فلسفه و اصول آرشیوداری دیداری- شنیداری، ترجمه وحید طهرانی‌پور، مقابله و ویراستاری دکتر نورالله مرادی، تهران: نشر کتابدار.
- [تدوین واژه‌نامه اسنادی-آرشیوی]. (۱۳۷۴). طرح تدوین واژه‌نامه اسنادی-آرشیوی، گنجینه اسناد، س ۵، دفتر اول و دوم، بهار و تابستان، شماره پیاپی ۱۷ و ۱۸، صص ۱۰۸-۱۱۶.
- شورای جهانی آرشیو (۱۳۹۴). فرهنگ اصطلاحات آرشیوی، مترجم: انوشه شبانی، ویراستار زهرا ضرغامی، تهران: سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران، پژوهشکده اسناد (زیر چاپ).
- غریبی، حسین. (۱۳۷۵). بولتن کمیسیون اطلاع‌رسانی شماره ۱۵ [بولتن]. تهران: مولف.
- فرهنگستان زبان و ادب فارسی. (۱۳۸۸). فرهنگ واژه‌های مصوب فرهنگستان، دفتر ششم، تهران.
- مرادی، نورالله. (۱۳۷۳). مدیریت آرشیوهای دیداری- شنیداری. تهران: سروش.
- مرادی، نورالله. (۱۳۸۸). آرشیو ملی ایران. گنجینه اسناد، س ۱۹، دفتر دوم، تابستان، شماره پیاپی ۷۴، صص ۵-۶.
- Bellardo, Lewis and Lynn Lady Bellardo. (1992). *A Glossary for Archivists, Manuscript Curators, and Records Managers*. Chicago: Society of American Archivists.
- Dictionary.com Unabridged (v 1.1), Based on the Random House Unabridged Dictionary, Random House, Inc. 2006.
- Pearce-Moses, Richard. (2005). A Glossary of Archival and Records Terminology is online at [www.archivists.org/glossary](http://www.archivists.org/glossary). (Archival fundamentals series. II). available from: <http://files.archivists.org/pubs/free/SAA-Glossary-2005.pdf>

